

مرگ غیرت را تماشا کن خطاب، شورای تجزیه طلبان

امیر فیض- حقوقدان

انگیزه تنظیم این تحریر، خبری است که در این تحریر با آن آشنا خواهیم شد.



نمیدانم درست و بجا، ویا نادرست و غیرعادی است که، بنده روی اتهام «جندگی» که به دو تن از خانم های شورای تجزیه طلبان داده شده و برای تکمیل اتهام، شخص رئیس آن خانم ها را هم به قوادی مفتخر ساخته اند؛ حساسیت بیش از حدی که جنبه اخلاقی دارد، دارم. مقصود این است که بمراتب بیش از آنکه خود آن خانم ها ویا رئیس آنان درک تالم و اثر آنرا بنمایند بنده جورکش اتهام آنها شده ام.

(علاقمندان به موضوع اتهام قوادی به تحریر (اتهام قوادی مورخ ۲۰۱۵/۶/۱۳) میتوانند رجوع فرمایند.)

عنوان «جندگی» که از طرف یک خبرنگار بین المللی به خانمهای شورای تجزیه طلبان داده شده آنقدر زشت و مطرود است که در ادبیات و فرهنگ ایران معمول به استعمال نیست و بجای آن واژه فاحشگی را بکار میبرند. واژه مزبور که متضاد <نجیب و پاکدامن> است بدترین و سخیف ترین اهانت هائی است که متوجه خانم ها میگردد؛ و وقتی عنوان «جنده» جاری شود غیرت که به معنای حمیت و حفظ آبرو و ناموس و شرف است از گردونه خارج میشود و بقول مصباح یزدی طرف <از گاو و خر هم پست تر میشود> (۲۴ اسفند) زیرا حالت فاحشگی در حیوانات نیست.

در قوانین مجازات عمومی ایران و حتی اسلام اتهام فاحشگی چیز کم اهمیتی نیست و اگر اثبات نشود مجازات سنگینی برای مفتری تعیین شده و برای خانم های مفتخر به جندگی حکم سنگسار جاری است.

علت حساسیت بنده

شاید علت حساسیت بنده روی عناوین «جندگی و قوادی» که به خانم ها و رئیس آنان داده شده و حضرات نه تنها ننگ و اثر آنرا تشخیص نمیدهند، چه دانم که، شاید افتخار هم بدانند از این جهت باشد که فلاسفه غیرت راسه نوع میدانند غیرت دینی - غیرت ناموسی و غیرت وطنی.

آنها عقیده دارند ممکن است کسی که غیرت وطنی و دینی نداشته باشد ولی غیرت ناموسی داشته باشد ولی ممکن نیست کسی که غیرت ناموسی ندارد غیرت وطنی و یا دینی داشته باشد.

در تطبیق مورد، خانم های شورای تجزیه طلبان که به بی عفتی و بی حمیتی متهم شده و با آن اتهام سرخوش و سازگارند، محال است که بتوانند غیرت وطنی داشته باشند؛ و از آنجا که شورای تجزیه طلبان بهر حال خود را یکی از اپوزیسیون های جمهوری اسلامی در خارج از کشور معرفی کرده و شخصیت مورد احترامی هم خود را متأسفانه آلوده آن ساخته لذا بطور کلی ایرانیان نمیتوانند در مسئله بر باد دادن غیرت ناموسی که متوجه خانم ها و رئیس آنان شده مانند خود آن خانم ها و رئیس آنها بی تفاوت بمانند.

همانطور که در هوای مسموم، همه مسموم میشوند در مبارزه آلوده و کثیف که پایه های آن بردوش «جنده ها و ایادی بیگانه» باشد تمامی جز و کل مبارزه ایرانیان علیه جمهوری اسلامی را آلوده به فساد و فحشا میسازد.

مصدق مورد ضرب المثل <یک بزگرگله را گرمیکند> یعنی یک آدم ناپاک و بد سابقه و یا معروف به فساد فحشا کل جامعه محدود را شهره فساد میسازد.

و اما انگیزه این تحریر

انگیزه تنظیم این تحریر خبری است که در تاریخ ۲۲ اسفند ماه سال جاری میگوید <وبلاگ نویسی مصری به اتهام اهانت به زنان مصر محکوم به زندان شد>.

متن خبر

دادگاه مصریک و بلاگ نویسی مصری را به اتهام اهانت به زنان (۱) در یک برنامه تلویزیونی، به سه سال زندان محکوم کرد.

تیمور سبکی، ماه دسامبر گذشته در یک برنامه تلویزیونی گفته بود یک سوم زنان مصری که همسرشان برای کار به خارج میروند مرتکب خیانت میشوند. (۲)

انتشار خبر مزبور در شبکه اجتماعی باعث خشم عمومی شد (۳). سپس مقامات مصری بمدت ۱۵ روز از پخش برنامه جلوگیری کردند.

با آنکه آقای تیمور سبکی گفته که قصد اهانت نداشته و سخنانش بد فهمیده شده و عذرخواهی کرده معهدا دادگاه مصر او را به سه سال زندان محکوم کرده است. (۴) (پایان خبر)

مقایسه خبر مزبور با خبر چندگی خانم های شورای تجزیه طلبان

امر تطبیق، یکی از ابزارهای دستاورد های اصیل تحقیق است خبر مزبور با مصاحبه تلویزیونی آقای سیامک زند (مدعی خبرنگار بین المللی) که خانم های شورای تجزیه طلبان را جنده خطاب کرده بود خبر از مرگ

غیرت در شورای تجزیه طلبان رامیدهد. باتاسف مشترک جریان مرگ غیرت در شورای تجزیه طلبان را بررسی کنیم.

مراتب تطبیق خبرها

(۱) - در اظهار تیمور سبکی دوسوم خانم های مصرمورد اتهام خیانت به شوهرانشان قرار گرفته اند. اتهام مزبور بمناسبت آنکه طرف اتهام محدود نیست از نظر حقوقی اتهام عمومی هست ولی اتهام خصوصی محسوب نمیشود؛ یعنی هیچ خانمی نمیتواند بگوید که به شرافت من لطمه خورده است و مرا متهم به خیانت به شوهر کرده اند؛ زیرا از نظر حقوقی اتهام باید متوجه شخص مشخص و محدود باشد ولی دیدیم که به اعتبار جنبه عمومی جرم افترا، دادستان مصر وارد عمل شده است.

در حالیکه اتهام جندگی از سوی خبرنگار بین المللی به خانم های شورا فاقد مشکل اتهام تیمور سبکی است زیرا اتهام جندگی متوجه دوتن شده که آن دو تن هم محدود و کسانی هستند که در شورای تجزیه طلبان مشخص و همه کاره اند و خبرنگار بین المللی هم گفته که آنها را میشناسد. یعنی علیرغم اینکه اتهام به آن خانمها از لحاظ حقوق عمومی جرم است ولی در صورت عدم شکایت شاکی خصوصی، دادستان وارد موضوع نمیشود.

(۲) - در اظهارات سبکی (متهم مصری) اتهام خیانت به خانم ها زده شده است و این اتهام با عنوان جندگی که آقای خبرنگار بین المللی به دونفر از خانم های شورای تجزیه طلبان داده بسیار متفاوت است. خیانت زن به شوهر دامنه بسیار وسیعی دارد که حد نهانی آن ممکن است به روابط جنسی با غیر کشیده شود ولی «جندگی» اساسا در مدار خیانت زن به شوهر قرار ندارد زیرا تعریف آن اطلاق بر زنی دارد که هنجارهای ناموسی و اخلاقی و شرعی را نادیده گرفته و بوضع خود را در طبق اخلاص به خواستاران تقدیم میکند که ممکن است، آن خانم شوهر داشته باشد و یا نداشته باشد و هدفش یا درآمد و امرار معاش و یا برای کسب مقام و نزدیکی به صاحبان قدرت و زندگی بهتر باشد که دومی ممکن است در مورد خانم های شورای تجزیه طلبان صدق کند.

(۳) - در مصر، متهم اتهام خیانت به زنان مصری یک وبلاگ نویس است که مقامی از توجه و اعتبار ندارد و بقول معروف توی سرسگ میزنی وبلاگ نویس است؛ ولی اتهام جندگی به خانم های شورای تجزیه طلبان از سوی یک خبرنگار بین المللی داده شده که هرچه باشد درک مسئولیت دارد و بی گذار به آب نمیزند و مقام و موقعیت او هم در حدی است که اگر درست باشد فقط یک خبرنگار بین المللی ایرانی وجود دارد.

(*) - مردم مصر آنقدر درک غیرت و حمیت و شرافت ناموسی داشتند که برنامه تلویزیونی که خبر وبلاگ نویس مصری را منتشر کرد ۱۵ روز تعطیل ساخت ولی وقتی بنده به آقای جلیل مرتضوی متصدی برنامه مصاحبه با آقای سیامک زند با تلفن بمناسبت اظهارات آقای زند اعتراض کردم؛ گفت: «هیچکس در این مورد غیر از شما اعتراض نکرده است شما هم بیاید اینجا و اعتراض کنید».

این نکته قابل توجه است که دستگاه های خبری خودشان باید قدری آدم باشند، چنانکه امیرعباس فخرآور فیلمی را که از میهمانی خصوصی منزل سینا دبستانی با حضور رئیس شورای تجزیه طلبان گرفته بود و برای

پخش و تضييع آبروی شرکتکنندگان در آن میهمانی به (پایگاه خبری حقوق انسانی و اولیه بشر) فرستاد؛ سردبیرسایت مزبور بنابر ملاحظات اخلاقی حاضر به انتشار آن نشد.

(۴) - یکی از پایگاه های مقایسه، در مورد بحث این است که بنابر تحقیق سال ۲۰۰۸ فنمیست های مصر >۹۸ درصد زنان مصری در آن کشور تجربه حداقل یکبار متلک شنیدن ویا توهین و آزار جنسی مردان را دارا میباشند< یعنی اتهام زدن بی حرمتی به خانم های مصری و آزار جنسی آنها تقریبا عمومیت دارد.

ولی این قاعده در جامعه ایرانی بکل منفور و مفقود است؛ و خانمهای ایرانی بندرت مورد توهین و آزار و خاصه عناوین جنده و فاحشه قرار میگیرند و با وجود عرف و سنت اهانت به خانم ها در مصر - دادگاه مصر، مفتري اتهام خیانت به خانم های مصری را به سه سال زندان محکوم کرد؛ در حالیکه هم مفتري مصری عذر خواهی کرده بود و هم نگفته بود که من خانم های مصری را خیانت کار می شناسم ولی خبرنگار بین المللی! عبارت بکار گرفته او در مورد خانم های شورای تجزیه طلبان چنین است:

<منتظر السلطنه، رضایه دوتا «جنده» را آورده در اقیانوس ایران، آخر ما آنها را می شناسیم >

خطاب به آجی نازیلا

در تحریری به شما آجی خطاب شد؛ تخصیص واژه مزبور به این دلیل بود که از باب کلیت و قاعده اصل برائت و استصحاب همه خانم های ایران خواهران مردان و زنان هستند؛ مگر خلافش ثابت شود یعنی معلوم شود که آن خانم حد اخلاق و غیرت و حمیت و شرافت را زیر پای گذاشته است و از جمله در معیت فواحش در آمده است؛ تنها در این حالت است که آن خانم ها از قافله محبت برادری و خواهری خارج و به سیطره بی شرافتی و بی عفتی در می آیند و اقتضای شرافت و غیرت مرد ایرانی نفی و طرد آن خانم است و

مانده ام و نمیفهمم که چرا شورای تجزیه طلبان نمیخواهد اتهام ت جزیه کشور را از خود دور و پاک کند و همچنین مانده ام که چرا خانم ها و رئیس خانم ها نمیخواهند اتهام جندگی و قوادی را از خودشان رد نمایند.

اتهامات منتسب به **فعالان سیاسی** محدود به خودشان نیست؛ اثرات آن بینهایت و فراگیر است. علیاحضرت شهبانو فرمایشی دارند که مستند این تحریر است میفرمایند:

>ای کاش به آن بی حرمتی ها و توهین های نادرست پاسخ داده میشد. حملاتی که میشد و پاسخ نمیدادیم مقصریم < (گفتگوی چاپ شده در آیدگان سال ۱۳۵۵).

واقعا مانده ام که چطور این حضرات نمیدانند ویا میدانند ودرک نمیکنند که اتهام فاحشگی خاصه جندگی چه نکبتی است که وقتی متوجه یک سازمان سیاسی بشود، **مرگ** شرافت در آن سازمان عمومیت خواهد یافت و هیچ انسان پاک و منزهی تن به مشارکت و همکاری با سازمانی که مدیریت آن با فواحش باشد نخواهند داد.

مثالش ساده است؛ کسی که می‌خواهد درس حساب بیاموزد آیا بیک محلی که مدیران آن فاحشه هستند رجوع میکند یا خیر! واگر رجوع کرد یعنی در شورای تجزیه طلبان عضو شد هدفش نجات کشور است و یا در زمره فواحش عمل کردن؟

قدغن میکنم

قدغن کردم خودم راتا به کسی که از عنوان «جندگی» با سکوت خود استقبال میکند؛ آجی نگویم، میتوان گفت که تجزیه ایران که در ماده ۱۱ قطعنامه شورای تجزیه طلبان قید شده خواست و سیاست آمریکاست که نوکری شورا سبب چپاندن آن ماده در قطعنامه شده است ولی نمیتوانم باور کنم که عناوین «جندگی و قواد» هم از منشات سیاست آمریکا باشد این جریان وبی اعتنائی نسبت به اثرات آن دقیقاً عصاره بی شرافتی وبی عصمتی وبی آبرویی حضرات است والا حتی یک زن هر جانی تحمل نمیکند که به او «جنده» گفته شود وحتی به رئیس آنها هم در فرهنگ عامه خانم رئیس میگویند.^۲

واقعا نمیدانم این بی رگی وبی غیرتی در همه امور متوجه حضرات است ویا مورد مزبور استثنائی است و آنجا که خبرنگار بین المللی فته است: «من آنها را میشناسم < سند و شهادت عینی است که جای انکار برای حضرات باقی نمیگذارد و ترجیح میدهند که به سکوت برگزار کنند، در حالیکه این سکوت مانند زخم بد است و اگر درمان نشود تمام بدن آن اجتماع سیاسی رامیگیرد.»

اصطلاح «یک بزرگله را گرمیکند» مصداق مورد است یعنی همین دوتا خاتم که از سوی خبرنگار بین المللی «جنده» معرفی شده سبب بدنام شدن تمام افراد شورای تجزیه طلبان خواهد شد.

ممکن است کسانی از اهمیت این اتهام جندگی که با سکوت فراگیر به صورت قبول و تائید در آمده غافل باشند ولی غفلت آنها با توجه به واقعیت زیر مردود است.

سی وینجسال است با داشتن مشروعیت قانونی و سنتی و مردان مصمم در مبارزه علیه جمهوری اسلامی تنها دستاوردی که نشان داده اند همین شورای تجزیه طلبان است که دو هدف را دنبال میکند یکی تجزیه کشور و دومی انتخابات آزاد که دومی با هدف جمهوری اسلامی مشترک است و در کنار این دو هدف رسمی و آگهی شده دونفرت عام هم وبال گردن مبارزه شده؛ یکی اتهام جندگی و قواد و دومی که قوز بالای قوز و درد بی درمان است بیگانه پرستی است.

بیچاره خر آرزوی دم کرد نایافته دم دو گوش گم کرد

^۲ - البته مستحضر هستند، هر جا که آمریکایی ها پا گذاشته اند، کره، فلیپین، ویتنام، پاناما، کاستاریکا، ویا هر جای دیگری سربازان و کارمندان آمریکایی برای خوش گذرانی های خود در آنجا «فاحشه» فراوان و بیماری های جنسی فراوان شده است. تنها در ژاپن موفق به اینکار نشدند و آنها فهم و شعور و ادب و اخلاق و سنت ژاپن اجازه نمیداد. زنان ژاپنی همسر آمریکایی اختیار کردند ولی فحشا را نپذیرفتند. اشتباه نشود گیشا ها فاحشه (جنده) نیستند، آن سنت ریشه فرهنگی بسیار ژرفی در تقویت روحیه و التیام روحیه جنگی و دفاع ملی و رودر رویی با سختی های زندگی است که گیشا ها در گفتگو بر سر چای سنتی ژاپن با مردان و به ویژه سامورایی ها داشته اند. همخوابگی نبوده است ریشه در مشاورت روانشناسی دارد. ح-ک